

## مقام ادب و ادبا

در حیات بشر

## اجتماعیات

نویسنده : غلام جیلانی خان جلالی

ما باید بقرائین محترم خاطر نشان نمائیم که قسمت آینده مقاله ما حیات اجتماعی مهمترین اشخاص و برجسته ترین نوابع تحریر مغرب را ترجمانی میکنند زیرا زندگی ادبایی که در ذیل معرفی می شوند مهمترین نمونه اجتماعی بشری بوده حیات هر واحد نهاد در نظام اجتماعی اثر عظیمی دارد، علوم فلسفه بعد از آن که در قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی با اثر علما و فضیلتی اسلام باوج کمال خود رسیده در قرن ۱۳ کمتر نهضتی کرده آن هم در قسمت مدرستی؟ اما در قرن ۱۴ بععلیکه از افراد متبع پوشیده نیست دفعه سقوط نموده به بدعت و لا مذهبی منجر شد، عبارت دیگر قرن ۱۴ میلادی عصر الحاد و ضلال فلاسفه بود. در قرن ۱۵ تا ۱۶ علوم و فنون ادبی دو باره از اطالیه نهضت کرد که ما آن را در قسمت های گذشته شرح دادیم در قرن ۱۷ بار دیگر روح فلسفه و نویسندگی عالم اسلام و یونان زنده تر گردیده در مقابل علما و فلاسفه مغرب میدان عقل و تجربه وسعت گرفت بناء درین عصر چنان نوابع و زینهای در فلسفه و ادب بوجود آمده که تاثیر آنها در عالم بشر از هر حیث قابل انکار نیست و ما ترجمه حیات هر واحد آنها را آتیامی نویسیم:

باکن (۱) (۱۵۶۰-۱۶۲۹) فرانسیس باکن در سال ۱۵۶۰ در لندن تولد شد پدر او لارد نیکولا مدته ۲۰ سال در زمان سلطنت ملکه الیزابت وزیر عدلیه انگلستان بود، در سن ۱۶ سالگی علوم را در یونیورسیتی کبرج اکتال نموده بعد از آن سفیر انگلستان در فرانسه مقرر گردید وقتاً که پدر او فوت کرد چون ثروتی برای او نگذاشت لابد باکن از سفارت فرانسه بلندن مراجعه نموده وکیل مرافعات (مجلس خاص) مقرر گردید. در سال ۱۵۹۲ در مجلس دارالعوام کونینته مدلسکس نائب مقرر گردید زمانیکه ژاک اول بر سر سلطنت نشست مسکنت او بر طرف گردیده شاه او را وکیل مرافعات مملکت مقرر داشت و مابعد مدعی العموم و عضو مجلس خاص و سپس وزیر حقانیه اخراً در ۱۶۱۸ مستشار خاص تعیین شده صاحب جاه و نفوذ و مال گشت باکن در ملک امپریالیستی منتهای حریص بود چنانچه بسبب غلوی بسیار خود درین را بچس و تادیه ۴۰۰۰۰ پوند جریمه محکوم گردید لاکن شاه او را از حبس و جریمه عفو کرد، باکن در همان فرصت متخصص فلسفه و مباحث فلسفی آغاز نموده مدت پنج سال باقیاننده حیات خود را بتالیف کتاب (اصلاح کبیر) صرف نمود که آنرا به ۶ جزء مینخواست تقسیم کند اما ازان دو جزء تکمیل شد در جزء اول آن انواع علوم و ترتیب آن و در جزء دوم آن برخلاف اسلوب ارسطو طریق فلسفه جدید را شرح نمود از باقی اجزای آن مباحث تاریخ عواصف، تاریخ موت و حیات، عقل و بلاغت کشف است، بقسم مفردات موجود است.

باکن - معارف بشری را بر طبق ۳ متبوعه مهم انسان حافظه، تخیل، عقل به ۴ حصه بزرگ آتی تقسیم نموده: تاریخ، شعر، فلسفه! که تاریخ را به طبیعی و مدنی و شعر را بقصص، وصف، حماسه، اشارات و فلسفه را باطبیقات، طبیعی و انسان تقسیم کرد.

این فیلسوف مهم انگلستان در عین زمان، سیاسی، نطق، نویسنده، مورخ زبردستی بود و بحیث مجموع فلسفه او تجرینی است.

هو بس (۲) (۱۵۸۸-۱۶۷۹) توماس هو بس در مومبری کونینته ویلز تولد گردیده در یونیورسیتی اکنفورد تحصیل کرد با گاندی و گیلی و دیکارث مناسبت دارد و بیشتر از همه چیز در مباحث خود شاگرد و معاون «باکن» بود و تعلیل استنتاجی را کار میفرمود.

مهم ترین مولفات هوبس کتاب ( انسانی مدنی ) De Cive است که بر سه قسمت مشتمل  
و از حریت و دولت و دین بحث میراند نیز از مولفات او کتاب لیفیathan  
و کتاب مدینه طبع ۱۸۵۱ میباشد .

هکذا در طبیعت بشری کتابی و در منطق کتابی تالیف کرده است .  
مذهب فلسفی او : هوبس عقیده داشت که حواس مصدر معرفت است و هر چیز باستانی  
جسم و هم است که فهم بادرک آن قادر نیست باین تقریب فلسفه او عبارت از علم اجسام  
گفته میشد که آن را بدو تفریق اجسام طبیعی و جمعیات سیاسی تعبیر میکرد قسمت اول متضمن  
اجسام و نفوس و جنبه دوم مراد از جمعیات بشری بود . و بکتور کوزین مذهب هوبس را  
در کلمات آتی خلاصه نموده : در علم فطری مادی . در منطق احساسی و ازبانی ، در اخلاق  
قدری و انانی ، در سیاست حکم مطلق است .

گاسندی (۱) ۱۵۹۲-۱۶۵۶ بی پر گاسندی بقرب بلده دنی Dijne در پروونسا  
تولید شده بعد از اكمال تحصیل درجه زعمای مدرسه تجربیات فرانسه شامل شد و در قرن ۱۷ اولاً  
در سلك کهنه بعد در فلسفه سپس در تحقیقات مقامات لاهوت و ریاضیات مندمج گردیده آوازه  
نبوغ او منتشر شد اخیراً در قرن ۱۷ از عالم ترین علمای فلسفه محسوب گردید .

گاسندی در ضرورت تبدیل اسلوب سلو جسمی بکدام اسلوب دیگر با دیگران موافقت  
داشت لاکن فلسفه او با فلسفه دیگران متناقض بود حتی فیما بین این دو نفر فیلسوف  
مانند منازعه مذهب حسی و تصویری یا مثالی در قرون جدیده همیشه يك مرکه عینی  
دایر گردید .

کتاب و مؤلفات گاسندی تماماً به لاتینی تحریر شده و مذهب فلسفی او ابی قوری و باسالی  
بناشده بود که بامبادی دین مسیحی متعارض واقع نشود .  
در منطق میگفت که معرفت از حواس بوجود می آید و قوه فکریه بدون تحصیل همان ظواهر یک  
از روی حواس بدست می آید دیگر عمل ندارد .

در علم طبیعی بدو مبدأ ابقور که عبارت از فضا و ذرات بوده معتقد است و تمام نظریات  
علمیه را بآن مربوط میداشت و اعتراف مینمود که : خدای تعالی خالق و اولین محرک عالم است .

در اخلاق باوجود قبول اصول ساینده منبجیت میگفت (مطلب غائی از حیات سعادت است)

لوک (۱) ۱۶۳۲-۱۷۰۴ لوک مؤلف کتاب (مبحث فی العقل بشری) زعم حقیقی همان مدرسه تجربی بود که مذهب آن در قرن ۱۸ بانکلستان و فراسه منتشر گردیده-سبب ظهور مذهب کانت انتقادی واقع گردید.

جون لوک در ۱۲۹ اگست ۱۶۳۲ در شهر رنکنتون در قرب بریستول تولد یافته پدرار از رؤسای مذهبی بوده در جنگیکه بزمان شارل اول بد اخل آغاز گردید شامل شد. لاکن جون لوک طرفدار حزب احرار بود.

دروس وسطی خودرا در مدرسه وستمنستر لندن تکمیل نموده بعدازآن به یونیورسیتی اکسورد شامل گردید در سن ۲۷ سالگی مولفات دیکارت را برای اولین دفعه مطالعه کرده در احساسات او تاثیر بزرگی نمود.

ازان وقت از صنف رهبانان منفق گردید درخواست که طیب باشد از لندن بفرانسه مسافرت نموده از سال ۱۶۷۲-۱۶۷۹ در آنجا ماند بعد ازان واپس وارد انگلستان گردیده متصلاً به سبب - ووطن خاندان استوارت از لندن به هولاند نفی شد در هولاند تا انقلاب ۱۶۸۸ بقیانده - پس کیوم در ازاورا معتمد تجارة و مستعمرات مملکت مقرر نمود متعاقباً به تاریخ ۲۸ اکتوبر سنه ۱۷۰۴ سن ۷۲ سالگی در شهر Oates در گذشت.

مولفات لوک در قیمت متواترند از انجمله کتاب (تدقیق در رای مابرانش) و - الة در تساهل و کتاب تربیة اطفال ، و مبحث در حکومت مدینه است لاکن مهم ترین مؤلفات لوک (کتاب مجربه اختیار عقل بشری) (۲) همان است که آنرا در آکسفورد شروع نموده و در زمان نفی خود آنرا تکمیل و بسال ۱۶۹۰ در لندن نشر نمود.

فلسفه لوک در نظریات او تلخیص یافته ۱ - نفسی و نظری ۲ - نظریات اخلاق و سیاسی که قسم اول آن در چهار کتاب تدوین گردیده ۱ - در معانی غربیزی ۲ - در (سوراشیا) ۳ - در انفاظ ۴ - در معرفت .

Locke (۱) Essai sur L. entendement Humain (۲)

Hobbes (۳) Bacon (۴)

قسم دوم نظریاتش : در اخلاق و سیاست . برخلاف آرای سیاسی هوبس چنانچه دار مبادی حریت بود .

**دیکارت از نقطه نظر فلسفه او (۱)** در موزه شهر لاهای Lo Hye تصویر است که رسام معروف رمبرانت در سال ۱۶۳۲ آنرا رسم نموده و استاد دیکارد نشسته هزاران شاگرد را بدور خود جمع نموده یا آنها درس تشریح میدهد و شاگردان از وسعت علم او تعجب مینمایند . این رسم بدیع گویند شهرت دیکارت و تاثیر فلسفه او را بر علما و مفکرین علی‌الرغم کراهت نظاهرو محبت عزت و گوشه نشینی او تمثیل میدهد .

ریشه دیکارت در ۳۱ مارچ سنه ۱۵۹۶ در شهر لاهای تولد گردیده پدر او مستشار پارلمان رئیس بود دیکارت دروس خود را بدارالموم یسوعین در ولش بسال ۱۶۱۲ انجام داده در سال آینده وارد پاریس گردیده باریق خودش در مدرسه مرسین به اخذ تعلیم ریاضیات مشغول گردید بعد ازان حقوق را خوانده دیپلوم آنرا در سن ۲۰ بسال ۱۶۱۶ حاصل نمود سپس بعبادت اشراف در سلك عسکر شامل گردیده در فرقه موریس دی ناسو مقیم بریدای هولاند تعیین شد در انجا مدت دو سال مانده باینکه ورود اجانب در زمان احتفالات به شهر فرنگفورتن ممنوع بود وارد آنجا گردید اخیراً فصل زمستان را بر نهر طونه در نوبریک گذراند . در خلوت آنجا ( اسلوب منطقی ) را کشف نمود دیکارت بواسطه این اکتشاف تازه خود باندازه خوشوقت گردید که زیارت کنیسه عذرای لوریت را بر خود نذر گذاشت عمر مشا رالیه درین فرصت ۲۳ سال بود ، دیکارت ملازمت قشون موریس دنیا سورا ترك گفته شمولیت فرقه دوق بغاریا را اختیار کرد چنانچه از انجا بقرار قشون فرقه مذکور در کوه سفید شهر براخ حاضر گردید بعد ازان بفرقه عسکری کونت برکوا نقل ملازمت نمود اما وقتاً که سرافسر مذکور بقتل رسید و فرقه او شکست نمود دیکارت بعد از ملازمت ۴ سال عسکرت را گذاشته دوباره به تحصیل علوم پرداخت درین فرصت بخود مقرر کرد که از معارف همان چیز را طلب نماید که بنفس خود و کتاب عالم آنرا دریابد از آنرو دیکارت مسافر تها نموده در اکتشاف مختلفه گردش کرد و کوشش نمود تا اینکه خود را مانند محلی در صحنه روایات فلسفی غایتش داد .

متعاقباً تا سال ۱۶۲۹ دیکارت در تردد اختیار پیشه زیسته اخیراً بلین امر را سخ شد

که حیات خود را بقدر امکان در معرفت حقیقی و تهذیب عقل بسر برد لذا در هولاند بامید حصول عزت و حریت که شدیداً باین دو چیز احتیاج داشت توقف ننوده مدتیست سال به تحریر مولفات خود سپری نمود که در اثنای آن بواسطه رئیس مدرسه مرهین باتمام علمای زمانه خود مخابره مینمود .

در سال ۱۶۴۹ بحسب دعوت ملکه کرستیانه وارد استا کهلم سوید گردید اما چون سرمای آنجا نهایت شدید بود بمرض ذات الرنه دچار آمده در همانجا به ۱۱ برج فروری سنه ۱۶۵۰ بعمر ۵۴ سالگی در گذشت که نعش او را بعد از شانزده سال بفرانسه نقل داده در کنیسه ( سانت اتیان دی موت ) پاریس مدفون گردید .

مولفات او : کتاب ( اسلوب ) ( شهوات نفس ) بفرانسوی تحریر و طبع شد تا ملات در فلسفه اولی و مبادی فلسفه او به لاتینی تحریر و در زمان حیات مولف از جانب بعض دوستان او بفرانسوی ترجمه شد کتاب ( عالم ) و انسان و رسایل دیگرش بعد از وفات مولف طبع گردید علاوه در ریاضیات و علم طبیعی دارای مولفات بسیاری بوده که بر تعداد مصنفات او افزود گردیده است .

دیکارت بحیث مجموعی اساس معارف بشریت را بطرح نویی ریخته مطابق فلاسفه اسلام بر توحید خداوندی عتیده داشته بنیاد فلسفه لامذهبی را که در قرون وسطی در اروپا تعمیم گرفته بود متزلزل ساخت او معتقد بود که خدای تعالی بر هر چیز قدرت دارد، صدق و کذب خیر و شر مخلوق خداست و ذات احدیت از هر چیزیکه ما تصور کنیم بلند است دیکارت از انتظام نوامیس و حرکات قوانین عامه باین نتیجه رسید که خالق مخلوقات و احدولاتیغیر است .

خلعای ریکارت :

ارنولد (۱) ( ۱۶۱۲ - ۱۲۹۴ )

نیکول (۲) ( ۱۶۲۵ - ۱۶۹۵ )

این دونفر فیلسوف مؤلف منطق بورب رویالند . درین منطق مبادی ( دیکارت بامبادی ارسطو مخلوط گردیده دارای شهرت لازمه و بچهار قسم ذیل سواشده : معانی ، حکم ، تعلیل

Arnould ( ۱ ) Nicole ( ۲ )

اسلوب ! هکذا از خلقای ( دیکارت پاسکال و بو-وئه نیز میباشد که شرح حیات هر دو نفر قبلاً تحریر شده و از مؤلفات موخر الذکر کتاب حریت و کتاب منطق و کتاب معرفت خدا و نفس شهرت دارد ، این کتاب آخر او بر (۵) فصل مشتمل بوده از نفس و جسم و اتحاد نفس و جسد و فرق انسان و حیوان بحث می کند .

اگر چه بوسوئه بفسلفه دیکارت متأثر بود اما اخیراً در بعض مسایل از آن مخالفت نمود .

### فینلون (۱)

فینلون : مطران کبیرای دارای عده از کتب فلسفه بوده معروف ترین آنها کتاب ( وجود واجب و صفات او تعالی شمرده میشد ) .

توماس رید می گویند شرح فینلون بر همان اسلوب شکی که آنرا دیکارت ابتکار نموده بود ازوفای ترین و ظاهر ترین شروع فلسفی بحساب معرفت .

### کلارک (۲) (۱۶۷۵ - ۱۷۲۹)

کلارک فیلسوف انگلیسی از مدرسه کبیر و ج فارغ التحصیل گردیده شاگرد نیوتن بود بعقیده او مکان و زمان معناً باثبات وجود واجب دو برهان صحیح شمرده میشود اما لیبنز در این نظریه با او مخالفت داشت .

ملبرانش (۳) ۱۶۳۸ - ۱۷۱۵ نیکولا ملبرانش در پاریس تولد و بسن ۲۲ سالگی

در ساک رهبانان برادران ( او را نوار ) شامل گردیدیم خواندن کتاب معروف ( در انسان ) دیکارت او را بشوق فلسفه و ادار ساخت ، بعد از خواندن ۱۰ سال در عقیده فلسفه دیکارتیه مؤلفات خود را تحریر نموده در آن نظریات دیکارت را تشریح و بعضاً برانها اظهار مخالفت نمود .

با علمای عصر خود که از آن جمله بوسوئه و ارنولد را ذکر میکنیم مجادله نمود .

مؤلفات ملبرانش : مهم ترین مصنفات مشارالیه : ( کتاب طبیعت و نعمت ) و کتاب ( مباحث دینی و علم نظری ) ( و کتاب اخلاق ) بعد از آن کتاب ( بحث از حقیقه است ) که آنرا به ۶ باب قسمت نموده از حواس ، تحلیل - عقل ، خواہشات ، شوقها ، اسلوب ، بحث میراند .

تمام این کتب را با سلوب ساده و انشائی - برجسته و فکر عالی نگاشته که در نفس خواننده مانند کتاب انسان دیکارت که در افکار ملبرانش تاثیر نمود و موثر ثابت میشود . ملبرانش فیلسوف نظری و اخلاقی است مذهب او بر ۳ نظریه ، الهیات حال عرضیه تقاول نیک منحصر میباشد ، سموی افکار و وشاقت اسلوب او باندازه عالی بود که او را افلاطون مسیحی خوانند .

سپینوزا (۱) ۱۶۳۲-۱۶۷۷ باروخ سپینوزا از فامیل اسرائیلی برتکالی در امستردم تولد یافت اما وقتاً که مشارالیه را نظر بافکار آزاد او مشیخت یهودیه محزون ساخت بمهاجرت وطن خود مضطر گردیده بشهر ( های ) نقل مکان نموده نام خود را به ( بندیکت ) تبدیل نمود . حیات این فیلسوف به قناعت و کفاف سپری گردیده بشغل تشخیص شیشه های دور بینی بسر می برد ، معاشیکه دوست او جان دی ویت و میرائیکه بآن نسبت باو سیمون از یلیس وصیت نموده بود آن را قبول نکرد حتی از وظیفه تدریس جامع هیدلبرج نیز استنکاف ورزیده و استقلال خاطر و حیات را عزیز میدانست .

سپینوزا بمرض سینه در ۲۳ فروردی ۱۶۷۷ بسن ۴۴ فوت نمود و بسال ۱۶۷۷ در یکی از میادین شهر های میناری را بباد او نصب نمودند که نشستن و تعمق در افکار او را تمیثل می داد .

مواقف او :

سپینوزا در زندگی خود باستثنای کتاب مبادی فلسفه دیکارته به نسق هندسی و کتاب ( لاهوت سیاسی ) دیگر کتابی را نشر نکرد اما در سال وفات او دو تقریر دوستانش کتاب ( اخلاق ) Ethice مشارالیه را که بشکل نظریات هندسی تالیف و در پنج قسمت تدوین گردیده از ذات واجب ، و ماهیت و مصدر روح ، ماهیت و مصدر شهوات ، اسارت بشری یا قوه شهوان ، قدرت عقل یا حریت انسانیه بحث می نمود انتشار دادند . نیز دارای کتاب دیگری است در سیاست که بر مسائل خصوصی مشتمل است . فلسفه او : سپینوزا فلسفه تجربی را شکستاننده عقیده داشت که علم حقیقی بدون عقل مجرد صراحتاً



درک شده نمیتواند و به تعلیل هندسی ارتقایی پذیرد فلسفه او در چهار قسم سه دود است نظری ، نفسی ، خلقی ، سیاسی .

لایبنز (۱) ۱۶۴۶ - ۱۷۱۶ بو فروا ولم لاینز المانی در اول یولیه ۱۶۴۶ در شهر لایپزگک تولد گردید پدر او در جامع شهر مذکور مدرس فلسفه اخلاق بود . لاینز علوم حقوق و تاریخ و علم لغت و ریاضیات و فلسفه را با آسانی تمام خوانده در دو علم اخیر الذکر تخصص یافت . در سال ۱۶۶۷ مستشار انتخابیه ( مانیس ) مقرر گردید .

و تا سال ۱۶۷۲ بوظیفه خود بر حال ماند بعد از آن در یک مهمه سیاسی بیاریس رفته مدت ( ۴ ) سال در آنجا ماند و به بزرگان آنجا افکار خود را شناختند پس به هولاند مسافرت نموده با اسپینوزا ملاقات نموده چون جامع علمی انگلستان علاقه مخصوصی داشت بناءً علیه از هولاند بانگلوتره اعزمت نمود . در سال ۱۶۷۶ دوک دی برانسویک او را بمکتب ( هنور ) امین مقرر نمود در همان منصب خود مدت چهل سال بر حال مانده در سال ۱۷۱۶ در گذشت .

لایبنز دوست و مشیر دو کهای هنور بوده در تمام حوادث سیاسی حصه داشت ، امتیاز تاسیس دارالعلوم برلین باور اجماع و بوسیله مکاتیب متعدده خود با بوسیه ، کنیسه های کاتولیکی و پروتستانیته را با هم نزدیک ساخت ، بطر کبیر روسی و امپراطور اطریش بشورتها و آرای او دارای تسویر افکار شدند ، لاینز در تمام علوم سرآمد روزگار مانند ارسطو دایرة المعارف ناطق شمرده میشد مؤلفات او بسیار از آجماله سه کتاب اومهم است :

۱ : بحث جدید در عقل بشری (۲) مقالات لاهوتی در حکمت خدا و حریت انسان و مصدر شر . (۳) نظریه جواهر روحیه  
فلسفه لاینز انتخابی جدید و بر اساس فلسفه دیکارت بوده از آرای فلاسفه متقدمین مختار و در یک سلك اندماج یافته بود .

انصار لاینز :

از معاوینین حرکت فلسفی لاینز المانی اولاً کریستیان تو مازیوس است که تعریف معنی جوهر را انجام نمود لاکن غالب مشغولیت او بحق طبیعی بود ، ابن فیلسوف در اثناى سنین ( ۱۶۵۵ - ۱۷۲۸ ) زیسته . دوم ، کریستیان ولف ( ۱۶۰۹ - ۱۷۵۴ ) که فلسفه لاینز را در المانیا نشر کرد .

( ۱ ) Leibniz

سوم : بسکوفتش ( ۱۷۱۱ - ۱۷۸۷ ) که از نظریه و جدت عدول نموده گمان کرد که ارکان  
 اخیره جسم تقاطبت حقیقی غیرقابل تجزا و امتداد که یکی از دیگر بمسافه گذاشته شده دارای  
 دو قوه جذب و دفع است .  
 چهارم : جان باتت و بکو ( ۱۶۶۳ - ۱۷۴۴ ) از شهر ناپولی است که بسبب مؤلف خود  
 ( علم جدید ) شهرت یافته و دران مبادی اول تاریخ فلسفه را ذکر نموده است .

### قرن ۱۸ :

در نیمه اول قرن ( ۱۸ ) ادبیات مغرب سرعت برقی اصلاحات افکار و اذهان ساکنین  
 براعظم را کرده رفت لاکن اگر بیده تنقید نظر کنیم در نیمه اخیر عصر مذکور بفکر طاجزانه  
 از نقطه نظر عمومی و ضعیف سیاسی ارو پای فزینی خصوصاً فرانسه از شیوه وطن برقی مغرط  
 صاحبان قلم دوره خونباز ( اطوگراطی ) و ششو نیزمرا بنامشان میدهد ، زیرا گرچه مواد انقلاب  
 کبیر فرانسه از سابق آماده شده بود ولی هر خلاف مأمول که می باید انقلاب از طبقه عوام که بیشتر  
 در مضیقه واقع بودند آغاز نباید هرج و مرج از طبقه مالانثت نموده نوشتجات و نشریات بعض  
 نویسندگان افراطی مانند ( ولتر ) مارات ، دانتون ، روبس پیر مانند کبریتی باشتعال مواد اثر  
 بخشید ولی اگر از یک جنبه آثار برخی باعث خون ریزی که با اصلاحاتش تعبیر میکرد دندظا هر شد  
 از جانب دیگر ادبای نامدار مغرب مانند وکتور گنه و مونشکیو ورو سوفرانوی و آدام اسمیت  
 و شکسپیر و مستر جیمس انگلیسی خدماتی نظر باصلاح وضعیت اجتماعی ظهور آوردند که افکار اثر  
 باره مستر کین - کار لایل لارد ما کولی - طوماس کارابیل - ریشان وکتور هوگو و دیگر نوانغ نهر بر  
 یورپ هم ازان بهت کرده نتوانسته است .

درین عصر علوم اجتماعی بلباس تازه تری درمرض تعلیم گذاشته شده اقتصاد - حقوق -  
 شیمی - فلسفه بطور کافی مدون و مانند علوم ریاضی تحت قواعد و قور مواها تدوین شد  
 درین عصر از انعکاس اسواتیکه در فضای ادبیات مغرب می پیچید بدرستی فهمیده میشد که بر  
 اعظم یورپ یک دوره ترقیات در خسانی در پیش دارد . اگرچه ظهور ناپلیون بوناپارت و  
 واقعاتیکه از ( ۱۷۸۹ - ۱۸۱۵ ) درافق سیاست پر خروش مغرب بوجود آمد نه تنها نقشه  
 اروپا را تبدیل نمود بلکه نظام اجتماعی تمام براعظم را طرز تازه بخشید لاکن ادبیات با وجود

همچو تبدلات آبی رویهم رفته در تمام پیش آمده ها موقع بموقع از افراط و تفریط جلوگیری کرده و با صلاحات می کوشید .  
 فلاسفه قرن ۱۸ دارای ۳ مرکز مهم فرانسه ، انگلستان ، المان میباشند اول فرانسه .

مذاهب فلسفی نویسندگان فرانسه بسیار است که از انجمله بعض تجربی و مادی ، برخی عقلی و وحدی و حصه اجتماعی و اقتصادی است .

**کندلیاک (۱) ۱۷۱۵ - ۱۷۸۰** ایتیان بوودی کندلیاک در شهر ( گرنویل ) تولد یافته بعد از اكمال تحصیل معلم و مودب دوک دی بار ما نوا - لوی ۱۵ تمین گردیده برای پرنس مذکور سلسله دروس خاصه را تالیف نموده لاکن مهم ترین مؤلفات او چهار است . ( مبحث در اصل معارف بشری ) که در ۱۷۴۶ طبع شد و کتاب مذاهب طبع ۱۷۴۹ و کتاب احساسات طبع ۱۷۵۴ ، کتاب اثبات اعداد مشاورا الیه بعد از وفات او منتشر گردید . مذهب فلسفی کندلیاک حسی بود .

**هلپیتوس ( ۱۷۱۵ - ۱۷۷۱ )** فیلسوفی بود که مذهب مادی خود را در دو کتاب روح و انسان توضیح نمود .

**پارون دی هلباش ( ۱۷۲۳ - ۱۷۸۹ )** فیلسوفیکه در مادیت چندین کتاب نوشته مهم ترین آنها مذهب طبیعی است .

**سان لپر - ( ۱۷۱۷ - ۱۸۰۳ )** فیلسوفیکه اخلاقیات هلپیتوس را در چند قاعده اقتصادی تدوین و بنام ( تعلیمات دینی عامه ) معروفش نمود .

**لامتری ( ۱۷۰۹ - ۱۷۵۱ )** مؤلف کتاب انسان نباتی و انسان آلی .  
 فلسفه عقلی :

**ولتر ( ۱۶۹۴ - ۱۷۷۸ )** ولتر در اکادمی بسوعین لوی کبیر تحصیل نموده به ازان بمضویت سفارت فرانسه در هولاند مقرر گردید سپس بمشاجره که نمایین اوو یکی از سر داران شوالیه دی روحان بوفوق پیوست بانگلستان مننی شد .

ولتر نظر بمولفات ادبی خود از قسم ( هنریات ) و ( پیکر فوق ) و دیگر روایات بارزه بزودی شهرت بلندی را حایز گردیده در فلسفه نیز سر آمد فلاسفه عصر خود بشمار آمد ، لاکن ولتر در فلسفه مسلك خاصی ندارد بلکه بر اصول فلسفه لوك معتقد بود بوجود الله خالق كل شیء و خلود روح اعتراف داشت .

ولتر از زمانیکه بوجود آمده و تا حینیکه این عالم بر آشوب را به لب خندی وداع نمود لحه از کاستن مصائب وطن خود آوام نه نشست ، ادبیات و افکار نازک و بلند او در اروپا و خصوصاً در فرانسه ولوله بزرگی انداخته ، او را امپراطور ادبیات میگفتند در آخر عمر خود بمحفل تاج گذاری خود حاضر گردیده ادبای فرانسه بعد از نمایش ( ایرن ) تیاتر مشهور در کمدی فرانسیس مجسمه اش را تاج پوشانده بعد از چندی در ۱۸۷۸ در گذشت .

فلاسفه اقتصادی :

مونتسکیو ( ۱ ) ۱۶۸۹ - ۱۷۵۵ مونتسکیو در اقتصاد سیاسی دارای تاثیر بزرگی است که بیشتر بسبب تالیف ( کتاب روح قوانین ) مشهور گردید او میگفت : ( قوانین علفات ضروریه است که از طبیعت اسباب مشتق گردیده ) و اجتماع در افسان طبیعی است .

مونتسکیو ، بلقب بارون دولابرو ملقب گشته از طبقه نجبا محسوب و بریاست پارلمان بوردو نایل گردید .

این فیلسوف بر اوضاع اجتماعی فرانسه انتقادات عمیق نموده از زبان دو نفر شرق رسوم ، اداب ، عقاید ، تشکیلات فرانسه را استنوا نمود ۱۳ سال بعد ازین کتاب مهمی در فلسفه تاریخ بنام تحقیق در علل عظمت و انحطاط رومیان منتشر نمود ۱۷۳۴ - مابعد ازین تالیف کتابی موسوم بروح قوانین نشر داد که برای تکمیل آن مدت بیست سال رنج کشید ، چنانچه در آئین آن قسمتی از اروپا را سیاحت نموده مدتی هم در هنگری و دو سال در انگلستان اقامت ورزید تا اینکه در ۱۷۴۸ کتاب خود را انجام نمود ، این کتاب باندازه مقبول افتاد که در ظرف ( ۱۸ ) ماه ۲۲ دفعه بطبع رسید و به تمام زبانهای اروپائی ترجمه شد . ۱ میل فاکه میگوید که این کتاب تالیف ساده ای نیست بلکه قانون و سجل بزرگ تاریخی محسوب میشود که در اعمال و افکار عالم بتدریج رسوخ یافته و آثار او تا مدت مدیدی در نفوس خلائق جاوید خواهد ماند ، این کتاب نه تنها

بعضی انتشار موثر افناد بلکه مدت چهل سال بعد اولین مجالس دوره انقلاب سر مشق رفتار خود را ازان ماخوذ داشتند و از سال ۱۷۸۹ تا امروز هر قانونیکه در فرانسه وضع میشود مبتنی بر همان اصول انفکاک قوای ثلاثه : مقننه ، اجرائیه ، قضائیه ، اوست . بحیث مجموع مؤلفات مونتسکیو بر خلاف نظریات و مصنفات ولتر که بجز تکثیر خرابی و افزایش ویرانه های اجتماعی کاری نداشت بر اساس انبیام و عمران خرابی ها ریخته است .

ژان ژاک روسو ( ۱ ) ۱۷۱۲-۱۷۷۸ رو-ویکی از مومهدین انقلاب کبیر فرانسه و در مقابل

( ولتر ) بانی طرز نوی در سیاست و موسس تشکیلات جدیدی در جامعه بوجود آمد ، مونتسکو و ولتر که هر دو تقر از طبقات بلند بودند در پیشنهاد اصلاحات بتغییراتی چند در اصول حکومت اکتفا میکردند اما روسو که پسر ساعت سازی از اهل ژنو و از طبقه رعایا محسوب میشد چون ایام جوانی را با فقر و فاقه سپری نموده بود بناءً علیه برین عقیده وادار گردید که راجع بدوات و جامعه طرح نوی طرح کند روسو در سن ۳۷ سالگی بسوالات علمی اکادمی دیثرون جوابی نوشت که موجب شهرت ناگهانی او گردید ، درین جوابات ثابت نمود که ترقی فنون و علوم باعث افساد اخلاق نوع بشر گردیده است بعد ازان در کتاب ( علل عدم تساوی بشر ) ۱۷۵۵ و در اثر معتبر خود ( میثاق اجتماعی ) Contrat social ( ۱۷۶۲ ) عقاید سیاسی خویش را انتشار داد در تالیفات مذکور روسو مانند لوك بجزریت و مساوات افراد بشر قائل گردیده و ثابت کرد که تشکیلات سیاسی و اجتماعی با بیست برعایه حفظ حقوق افراد وضع شود و از طرف دیگر افراد هم باید خود را محکوم اراده اکثریت بدانند - این افکار روسو تا امروز اساس تمام عقاید سوسیالیستهای عالم است در حیات خود روسو تاثیر عمیق کرده نتوانست اما افکار را که بنام ( امیل ) در باره تعلیم و تربیت اطفال بشکل رومانی تنظیم نمود و انتشار آن با ( میثاق اجتماعی ) توأم بود در جامعه تاثیر غربی نمود ، درین کتاب روسو لزوم تقوی و محاسن پرهیزگاری و احترام خانواده را خاطر نشان نموده باعث انقلاب اخلاقی و اعاده تقوی و بلز گشت صفات برجسته در طبقه عالی ملت فرانسه واقع شد . هکذا کتاب دیگری موسوم ( بشهادت و اعتراف دینی کنش ساو و ) که متمم کتاب امیل گفته می شود جمع کثیری را دو باره بعجت دیانت باز گردانید و عکس العملی را بر ضدارتداد و خدا ناپرستی و مادیت ( دید رو ) و هلویتوس و سایر

مولفین دایرةالمعارف ایجاد و تحریک نمود .

کسنی - ( ۱۶۹۴ - ۱۷۷۴ ) پسر یکی از وکلای پارلمان پاریس و مؤسس مدرسه معروف اقتصادی موسوم به مدرسه طبیعین است کسنی ایام جوانی را در یکی از قریه ها بسر برد چون در علم جراحی مهارت بسزا داشت بدربار لوی ۱۵ صاحب مقام ارجمندی گردید بعد ازان طبیب مخصوص پادشاه مقرر شد شاه باو ( مرد فکورمن ) خطاب می نمود و باوی مدت طویلی صحبت میکرد ، دو کتاب مهم را درین ایام بنام ( جدول اقتصادی ) ( ۱۷۵۸ ) و قواعد کلیه حکومت اقتصادی در مملکت فلاحی ۱۷۶۰ تحریر نمود ، خلاصه اصل عقاید کسنی این بود که زمین مخزن ثروت است و بجز از زراعت اراضی و حفر و استخراج معادن هیچ ثروتی برای ملت فراهم نخواهد شد ، ازین رو یکی از شاگردانش مسلک او را فیزیو کراسی ( حکومت اراضی ) نامیده است و پیروان او را فیزیو کرات خوانده است .

گورنی ( ۱۷۱۲ - ۱۷۵۹ ) پسر یکی از تجار سن مالو بود و تا ۴۰ سالگی بکسب تجارت مصروفیت داشت چنانچه بعنوان مذکور اغلب مراکز مبادلات اروپا را گردش کرد موری با وزیر بحریه او را در ۱۷۴۶ ناشر تجارت مقرر نمود - گورنی با کسنی معرفت حاصل کرده تابع عقاید او شد اما چون کسنی تنها اراضی را منبع ثروت میدانست ، گورنی صنعت را نیز بآن منضم نمود . گورنی شخصاً کتابی تحریر نکرد لکن یکی از شاگردان مذکور افکار او را منتشر ساخت .

کسنی و گورنی افکار خود را درین باره باین دو عبارت ذیل خلاصه مینمودند :

کسنی میگفت : در فرمان روائی نباید افراط نمود و بقوه حکومت نظامات طاقت فرسانباید گذاشت ، گورنی میگفت : بگذارید انجام دهند و بگذراند ، مراد او آزادی صنعتی و سهولت عبور از گمرکات سرحدی بود .

تورگو - ( ۱۷۲۷ - ۱۷۸۱ ) از شاگردان گورنی ، تورگو میگفت که سختی گمرکات و اجرای نظامنامهایی که برای دستجات و اصناف کار گردوین شده موجب تجدید زراعت و تخریب صناعت است . دیگر علمای اقتصادی آنوقت هم برین عقیده متفق بودند که باید آزادی تجارتی و صنعتی و فلاحی حکم فرماید .

گوندروسه ( ۱۷۴۳ - ۱۷۹۴ ) سرکنتر اکادمی علوم و نایب جمعیت تشریفی بعد

ازان مدیر ۷ مدیر پنهانی حکومت اتفاق مقرر بود، آخرین قست حیات او بسبب سقوط حزب ( ژبروند ) بسختی گذشت او میگفت ترقیات افکار بشر با پیشرفت مدنیت توأم است .

### دیدرو ۱۷۱۳-۱۷۸۴

دیدرو - مولف حقیقی دایرة المعارف با وجود مشکلات طاقت فرسا سالهای دراز باحوادث مقاومت نمود و بکار و تحریر مقالات خود مداومت ورزید .

دیدرو از اهالی لانگر و پدوش کب چاقوسازی داشت ، دیدر رومانند سایر اهالی جنوب فرانسه دارای طلاقت بیان و قدرت اختراع و انشا و سهولت استحضار مطالب دشوار و اقتباس بود ، دیدرو در دفع و شکست آئین ماضی فرانسه مانند و لتر متعصب بود لکن او عقاید خود را بصراحت نشان میداد و لتر متعصب خود را اکثر در لفافه تملق و مجامله مخفی میداشت دایرة المعارف او عبارت از فرهنگ مفصل و مکمل بود حاوی تمام معلومات آن عصر که در باره کلیات و جزئیات مطالب و موضوعات خورد و بزرگ بحث می نمود ، معارف دیدرو ( دالامبر ) مولف فرهنگ مقدماتی و نویسنده غالب فصول ریاضیات و فیزیک است . اما دیگر فلاسفه و علمای بزرگ و نویسندگان عصر نیز با آنها معاونت میکردند ، علاوه دیدرو در هر جا شخصی را می یافت که در یکی از شعب تخصیص دارد او را بساعدت خود دعوت میداد چنانچه مونتسکو و لتر - و رو سو ، بوفون - کنتی ، توکو ، نکر ، مارون تل ، هلیتوس و هولباخ و غیره نویسندگان دایرة المعارف او مقالات دادند .

بالطبع اجزای این تالیف بزرگ با یکدیگر اختلاف بسیار داشت دالامبر در موضوع اخلاق آن می نویسد : این دایرة المعارف از حیث تباین اجزا و پستی و بلندی مندرجات بجماعه ( بازیگران و خرقه درویشان ) مشابهت دارد ، این کتاب بسبب عواقبیکه بمولف آن رو داد بزودی منتشر نگردید بلکه شروع آن در ۱۷۵۱ و انتشار آن ۲۱ سال بعد در ۱۸۷۲ صورت گرفت .

البر ماله : میگوید : درین قرن هر چند پارلمان فرانسه در انستداد آن طور موثقاتی که با تغییر رژیم اجتماعی رابطه داشت بر نویسندگان فشار آورد آنها بالعکس زیاده تر درتحریر و اظهار افکار خود و تفسیر محررات نویسندگان گذشته کوشیدند . ( ناتمام )